آثاری که پژوهشگر و نویسنده می سازند

کیهان فرهنگی

انصاری، نوش آفرین

کیهان فرهنگی:چارچوب سازمانی‏ فرهنگنامه به چه شکل است؟

نوش‏آفرین انصاری:هیأت مدیره شورا در رأس کار فرهنگنامه است که اعضای آن اکنون عبارتند از خانم‏ها و آقایان:توران میرهادی،معصومه سهراب، منصوره راعی،نسرین دخت عماد خراسانی،زهرا فرمانی،یحیی مافی،دکتر نصرت الله مجتبایی، دکتر عباس حری،ناصر یوسفی و خود بنده.پس از آن شورای اجرایی است که امور فرهنگنامه را بر عهده‏ دارد و اعضای آن عبارتند از خانم‏ها و آقایان:توران‏ میرهادی(دبیر اجرایی)،دکتر علی بلوکباشی، مهندس علی پازوکی،دکتر عباس حری،مهربانو عنقایی(معاون دبیر اجرایی)،و خود بنده.گروههای‏ گوناگون ویراستاری،تألیف،مشاوران علمی و فنی و مشاوران کودک و نوجوان در این مجموعه قرار دارند. افزون بر بیش از دویست متخصص که در بیست و دو گروه موضوعی مشغول هستند،اشخاص و سازمانهایی‏ فرهنگنامه را در تهیه منابع علمی،تصویری و مالی و امکانات فنی یاری می‏دهند و این اطلاعات در مقدمه‏ هر جلد منعکس شده است.

کیهان فرهنگی:پیشنهاد تدوین‏ فرهنگنامه از سوی چه کسی ارائه شد و این فرهنگنامه چگونه شکل گرفت؟

انصاری:فکر تهیهء فرهنگنامه باز می‏گردد به سال‏ 1342،زمانی که«نخستین سمینار سراسری شورای‏ کتاب کودک»برای بررسی وضع نشر کتاب کودک در ایران برپا شد.در آن نشست این مسأله مطرح شد که‏ کتاب مرجعی برای خود کودکان و نوجوانان و نیز کتابهایی که بتوانند پاسخهای صحیح و مورد اطمینان‏ به پدران و مادران و کارگزاران آموزش و پرورش بدهند به هیچ وجه در اختیار نیست.در سال 1346 مؤسسه‏ انتشاراتی کتابهای جیبی فرهنگنامهء تألیف‏ برتاموریس پارکر را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و یک جلد مربوط به ایران را به آن افزود.به این ترتیب‏ یک کتاب مرجع کامل(از الف تا ی)با نمایه پایانی در هجده جلد،در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گرفت.

این کار از یک سو با تحسین،و از سوی دیگر با انتقاد شورا رو به رو شد.به طور کلی ترجمه اثر مرجع‏ کار درستی نیست،مگر در زمینه‏های بسیار تخصصی‏ که کشور میزبان سهمی نداشته باشد یا سهم آن بسیار کم باشد،و هر قدر مخاطب کتاب مرجع از نظر سن‏جوان‏تر باشد،ضرورت تألیف این گونه آثار بیشتر است. هیچ دلیل موجهی هم وجود ندارد که کودک ایرانی‏ بدون در دست داشتن اطلاعات کافی درباره سرزمین‏ خود از نظام آبیاری فلان کشور یا تعداد رأس گاوهای‏ آن آگاه شود.

موضوع ترجمه و تألیف در کار مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب نیز مطرح است.نخست قرار بود که ایشان و همکارانشان دایرة المعارف یک جلدی‏ «کلمبیا وایکینگ»را ترجمه کنند،ولی خیلی زود دریافتند که این کوشش برای پاسخگویی به نیازهای‏ جامعه ایرانی کارساز نیست.به این ترتیب وارد حوزه‏ عظیم پژوهش و تألیف شدند و کار اساسی‏ دایرة المعارف نویسی را در ایران با تهیه دایرة المعارف‏ فارسی(ج 1،1345،ج 2،1356)پی‏ریزی کردند. اثری که جلد سوم و پایانی آن هنوز منتشر نشده است، و نمی‏دانم سرانجامش چه خواهد شد.

این کمبود ادامه پیدا کرد تا رسیدیم به دورهء بعد از انقلاب.باید توجه داشت که شورای کتاب کودک یک‏ مؤسسه غیر انتفاعی است و از بودجه کاملا شخصی‏ همکاران اداره می‏شود.بنابر این،دست زدن به چنین‏ کاری بدون امکانات مالی از دست شورا ساخته نبود. دورهء بعد از انقلاب دوره‏ای بود که انگیزه‏ها و امکاناتی‏ را برای جدی گرفتن این فکر ایجاد کرد،از جمله«تفکر دربارهء ایران»،«هویت»،«اسلام»،«نگاه کردن از ایران به‏ جهان»،«نوشتن برای فرزندان این مرز و بوم»و مسایلی‏ از این دست و همیشه وقتی خواست جدی می‏شود، وسایل انجام آن خواست هم به لطف خداوند پدید می‏آید.در این دوره همسر خانم میرهادی،مرحوم‏ محسن خمارلو-که خود از فرهنگیان بودند وصیت‏ کردند که بخشی از دارایی ایشان در راه تهیهء اثر مرجعی برای کودکان و نوجوانان صرف شود.در همین‏ فضای کوچک شورا خیلی بحث کردیم که چه بکنیم. به انواع کمبودها توجه شد و پس از بحث‏های طولانی‏ نظر بر این شد که یک اثر دایرة المعارفی برای گروه‏ سنی ده تا شانزده سال تهیه گردد.بنیانگذاران اصلی‏ فرهنگنامه خود خانم میرهادی و آقایان ایرج‏ جهانشاهی،هوشنگ شریف‏زاده،محمود محمودی و اسماعیل سعادت بودند که سه نفر اول‏ متأسفانه دیگر در میان ما نیستند.به محض طرح‏ جدی این فکر،تعدادی از همکاران با تشویق‏های خود ضرورت انجام چنین کاری را گوشزد کردند،از جمله‏ مرحوم دکتر عباس زریاب خویی،دکتر سید جعفر شهیدی،دکتر مهدی محقق و آقایان بهاء الدین‏خرمشاهی و کامران فانی و از ناشران آقایان‏ عبد الغفار طهوری،محمدی اردهالی،محسن‏ باقرزاده،صادق سمیعی و کریم امامی از کسانی‏ بودند که حمایت خود را از این نظر به سرعت با ما در میان گذاشتند و در نشست‏های متعدد شورا حضور یافتند و همواره به ما کمک کردند.به این ترتیب کار جدی در سال 1358 آغاز شد و طی برنامه‏ریزیهای‏ دقیق کتاب،راهنمای نویسنده و ویراستار (جهانشاهی/1360)منتشر گردید.گروهی برای تهیه‏ فهرست مقدماتی مدخل‏ها(عنوان‏ها)دعوت شدند، کم کم سازمان فرهنگنامه شکل گرفت و افراد ثابت‏ برای ادارهء امور دبیرخانه استخدام شدند؛و از آن روز تاکنون بیشتر وقت هر جلسه هیأت مدیره شورا به‏ مباحث مربوط به فرهنگنامه اختصاص دارد.در اینجا لازم است به دو نکته توجه شود:نکتهء اول اینکه کوشش‏ مسؤولان در کار تهیه فرهنگنامه بر این است که این اثر یک«کتاب واحد»باشد و نه مجموعه‏ای از مقالات قرار گرفته در یک جلد و پدید آوردن«کتاب واحد»از این‏ همه موضوع‏های مختلف دانش بشری نیاز به‏ سرپرستی واحد فکری دارد و این یکی از مهم‏ترین و ارزنده‏ترین تجربه‏های دست‏اندرکاران تهیه فرهنگنامه‏ است.نکتهء دوم موضوع آموزش است.همکاران طی‏ دوره‏هایی با استفاده از کتابهای«راهنمای نویسنده و ویراستار»،«صد و یک نکته»(هدایی/1367)و سایر منابع به صورت انفرادی و یا گروهی با کار در سازمان‏ فرهنگنامه آشنا می‏شوند و به قول خود ما به«باغ‏ فرهنگنامه»وارد می‏گردند.به این ترتیب کوشش‏ می‏شود که ذهن و توان فکری همکاران در خدمت‏ فرهنگنامه قرار بگیرد،نه آنکه به عنوان نیروهای‏ مستقل و منفرد عمل کنند.باید توجه داشت که‏ بسیاری از کسانی که در کار فرهنگنامه درگیر هستند، خود معلم بوده‏اند و روحیهء معلمی و استادی خود را به‏ این جریان نیز تعمیم داده‏اند؛یعنی سعی کرده‏اند بدنهء واحدی را برای انجام این کار و تداوم آن پدید آورند.مدتی پیش قرار شد برای یکی از شخصیت‏های‏ بارز فرهنگنامه در جای دیگری نشستی برگزار شود، خیلی هم برای این کار برنامه‏ریزی شد ولی انجام‏ نپذیرفت.چرا؟استدلال این بود که نباید گذاشت‏ نیروی روحی این بدنهء واحد که هنوز نهال جوانی است‏ با شاخص نمودن یک نفر ناخواسته پراکنده شود. کوشش‏ها و تجربه‏های پشت صحنهء فرهنگنامه بسیار زیاد است.مرحوم جهانشاهی همیشه می‏گفتند حتی‏ اگر یک جلد از فرهنگنامه هم چاپ نشود ولی ما موفق‏ شویم که تجربه‏های تدوین آن را بنویسیم،تجربهء آموزشی و فرهنگی بسیار خوبی را در اختیار دیگران‏ قرار داده‏ایم.

کیهان فرهنگی:منابع اطلاعاتی و آماری خود را چگونه تهیه می‏کنید؟

انصاری:نویسندگان ما از آخرین منابعی که در اختیار دارند،استفاده می‏کنند.تعدادی از منابع‏ اطلاعاتی ضروری برای استفادهء ویراستاران و بخش‏ تصویر،در خود سازمان فرهنگنامه موجود است،ولی‏ همان گونه که اشاره کردم،نویسندگان مجازند از مناسب‏ترین منابع اطلاعاتی استفاده کنند و به آنها توصیه می‏شود که از چند دایرة المعارف خارجی هم به‏ طور مرتب بهره بگیرند؛از جمله«بریتانیکا»و«ورلد بوک»که چاپهای جدید این آثار در اختیار ما قرار دارد. نکتهء دیگر اینکه بسیاری از مقاله‏ها الگوهای خودشان‏ را پیدا کرده‏اند؛برای نمونه موضوع‏های مربوط به‏ گیاهان،جانوران،شهرها،کوهها و مدخل‏هایی نظیر آن،و طبیعی است هر قدر مطالب در قالب الگوهای‏ مشخص قرار گیرد،گردآوری منابع منظم‏تر و کار یکدست‏تر خواهد شد.ولی همواره چنین نیست، موضوع‏های زیادی هست که نیاز به پژوهش و فکرهای‏ نو دارد و از آنجا که فرهنگنامه تألیف می‏گردد،در بسیاری از موارد همکاران برای دستیابی به منابع‏ ناگزیر به جستجوهای وقت‏گیر و طولانی هستند.به‏ این نکته توجه می‏دهم که برای نمونه اگر دربارهء شاعر معروف آلمانی گوته مطلبی در فرهنگنامه بیاید،آنچه‏ برایمان ارزش دارد این است که به تأثیر ایران و تصوف‏ در آثار او نیز اشاره کنیم.پس در حقیقت مقالهء آلمانی‏ یا انگلیسی مربوط به گوته را به هیچ وجه به طور کامل‏ ترجمه نمی‏کنیم،بلکه با استفاده از منابع گوناگون این‏ شرح حال دوباره نوشته می‏شود.

تصویرها از منابع مهم اطلاعاتی فرهنگنامه هستند و یافتن تصویرهای مناسب با دشواری فراوان همراه‏ است؛به ویژه در مورد تصاویر مربوط به ایران دچار مشکل هستیم،زیرا منابع تصویری در کتابخانه‏های ما به درستی تنظیم نشده است و راهنماهای مناسبی‏ برای اینکه بشود دانست عکسی از فلان رود یا کوه یا بنای تاریخی و یا شخصیت فرهنگی و...در کجا قرار دارد در اختیار نیست.برای نمونه برای جلد دوم‏ فرهنگنامه علاقه‏مند بودیم که نمونه‏ای از خط ابن‏ سینا را چاپ کنیم.در گیر و دار این جستجو تأسف‏ خوردیم که چرا منبع موثقی که خطوط بزرگان علم و ادب این سرزمین در کیفیت مطلوب در آن گردآوری‏ شده باشد،در اختیار نیست.ولی مشکلات فراهم‏ آوردن تصاویر با جان و دل پذیرفته می‏شود چون تصویر باید با مخاطبان کودک و نوجوان فرهنگنامه ارتباط برقرار کند و سخن متن مقاله به گونه‏ای دیگر از طریق‏ تصویر زده شود.البته همهء علاقه‏مندان به فرهنگنامه‏ در این باره بسیار کمک می‏کنند.به تازگی نیز آقای‏ نصر الله کسراییان مجموعه بایگانی بزرگ عکس خود را در اختیار فرهنگنامه قرار داده‏اند که بی‏تردید برای‏ جلدهای بعد بسیار سودمند خواهد بود.

دربارهء اطلاعات آماری کوشش می‏کنیم از جدیدترین‏ منابع استفاده کنیم.برای دستیابی به آمارهای مربوط به سایر کشورها از دایرة المعارف‏های جدید و از مجموعه‏های آماری و اطلاعاتی مختلف بهره می‏بریم. در مورد آمارهای مربوط به ایران،پایهء کار ما آمارهای‏ «مرکز آمار ایران»است.البته گاهی برخی از آمارها مربوط به چند سال پیش است.در برخی از موارد هم از آمارهای سایر سازمانها استفاده شده است ولی به نظر می‏رسد که با وجود کوشش دایرة المعارف‏ها برای در دسترس نهادن اطلاعات به طور کامل جدید،امکانات‏ کنونی این گونه نیست که بتوان آخرین اطلاعات و آمار روز را از این طریق در اختیار قرار داد.این گونه‏ اطلاعات را باید در منابع دیگر که با فاصله‏های کوتاه‏تر و یا به صورت الکترونیک منتشر می‏شود،جستجو کرد. همین که نوجوان بفهمد که آماری در فلان سال چنین‏ بوده است،دریچه‏ای را به روی او باز می‏کند که او خود دنبال آمار و اطلاعات جدیدتر برود.

کیهان فرهنگی:آیا مآخذ اطلاعاتی و آمارها را برای پیگیری خواننده ارائه‏ می‏دهید؟

انصاری:دربارهء فرهنگنامه چنین تصمیم گرفته شدکه منابع مورد استفاده به عنوان سند در جلد آخر منعکس شود.البته باید توجه داشت که بیشتر منابع و مآخذ مورد استفاده نیز برای گروه سنی مخاطب‏ فرهنگنامه-ده تا شانزده سال-چندان مفید نخواهد بود و اگر بزرگسالان استفاده کننده از فرهنگنامه به منابع‏ مبسوطتری نیاز داشته باشند،طبیعی است باید راه‏ دیگری را انتخاب نمایند.

کیهان فرهنگی:اگر در خلال کار مسایل جدیدی پیش آید و یا آنکه‏ اطلاعاتی نادرست تلقی شوند(برای‏ نمونه استانی جدید شکل گیرد یا کشوری به چند کشور تبدیل شود و...) چه می‏کنید؟

انصاری:در این مورد کوشش می‏شود تا آنجا که‏ امکان دارد در هر چاپ دست کم اطلاعات آماری جدید ارائه شود و اگر مشکل محتوایی در بعضی از مقاله‏ها و یا تصاویر دیده شود،تصحیح گردد.برای نمونه در جلد اول برای مقالهء«آلمان»آنچه مورد نظر همکاران بود (یعنی تغییر کامل این مقاله)امکان‏پذیر نشد.از این‏ نظر ارائه ویرایشهای جدید فرهنگنامه از اهمیت بسیار برخوردار است و در مذاکره‏هایی که با«شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه»که مسؤولیت انتشار این اثر را بر عهده‏ دارد،داشته‏ایم،امیدوار هستیم بعد از چاپ چهارم هر جلد بتوانیم محتوای آن جلد را به صورت ویرایش‏ جدید در اختیار علاقه‏مندان قرار دهیم.

در مورد اشتباههای چاپی نیز که ممکن است در متن،تصویر و یا نقشه راه یافته باشد،کوشش می‏شود این نکات در هر چاپ تصحیح گردد.شاید ذکر این‏ خاطره برای خوانندگان جالب باشد:مقالهء«آقا میرک» در جلد اول اشکال محتوایی داشت.به این ترتیب که‏ دو تن به این نام در تاریخ آمده‏اند و اینها در فرهنگنامه‏ با هم یکی انگاشته شده بودند.زنده یاد استاد حبیب‏ معروف از کارشناسان هنر اسلامی،روزی بسیار ناراحت و عصبانی به شورا آمدند و این اشتباه را با خانم‏ میرهادی در میان گذاشتند.وقتی دشواری کار،فضای‏ کوچک و همت همکاران را دیدند آرام شدند،تکریم‏ کردند و گمان می‏کنم یکی از آخرین نوشته‏های ایشان‏ بازسازی و یا دوباره نویسی آن مقاله برای فرهنگنامه‏ بوده است که در چاپ سوم جلد اول به صورت تصحیح‏ شده آمده است.

کیهان فرهنگی:به نظر شما آیا در همین جلدهایی که تا کنون منتشر شده‏ جای برخی از عناوین و مقاله‏ها خالی‏ نیست؟

انصاری:بله،این نکته را قبول دارم.دانش بشری‏ بسیار وسیع است و سلیقه‏های افراد هم مختلف.جای‏ خوشبختی است که بسیاری از خوانندگان فرهنگنامه‏ نامه نوشته‏اند و برخی از آنها به جای خالی تعدادی از عنوان‏ها اشاره کرده‏اند.تمام این پیشنهادها در یک‏ مجموعه جمع‏آوری شده است و بی‏تردید بعضی از این‏ موضوع‏ها در ویرایشهای بعدی خواهد آمد.از مهم‏ترین‏ رویدادها ارتباطی است که اثر مرجع با جامعه برقرار می‏کند و جامعه خود را آنقدر نزدیک به پدید آورندگان‏ می‏داند که نقطه نظرها و خواست‏های خود را برای‏ دست‏اندرکاران مطرح می‏سازد.به ویژه آنجا که کودک‏ و نوجوان مطرح است و در راه پرورش این آینده‏سازان از هیچ کوشش و همکاری و همیاری نباید دریغ کرد.ما از همهء این دوستان سپاسگزاریم.

کیهان فرهنگی:هزینه‏های‏ آماده‏سازی فرهنگنامه چگونه تأمین‏ می‏شود؟

انصاری:بخشی از این هزینه‏ها از همان مبلغی که‏ زنده یاد محسن خمارلو در اختیار گذاشتند تأمین شد. این مبلغ نزدیک به سه میلیون تومان بود که به زودی‏ تمام شد.حیات فرهنگنامه از سال 62 تا 73 با کمک و حمایت دوستانی ادامه یافت که نامشان در مقدمهء هر جلد آمده است.طبیعی است همکارانمان در شورا نیز از جهات مختلف به پیشبرد کار فرهنگنامه کمک‏ کردند.یکی از کسانی که هم کمک روحی و هم کمک‏ مالی کردند،آقای سید کاظم بجنوردی هستند که‏ سرپرستی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی را بر عهده‏ دارند.ایشان همواره متذکر می‏شدند:«از مردم کمک‏ بخواهید،آنها بی‏تردید کمک خواهند کرد و راهتان باز می‏شود».ایشان هم خودشان به فرهنگنامه کمک‏ کردند و هم افراد دیگری را به ما معرفی کردند.ولی‏ گردآوری منابع مالی برای کاری چنین بزرگ به راستی‏ دشوار است و هر کدام از ما خاطره‏های فراوانی در این‏ باره داریم.از جمله اینکه چون به برخی افراد مکرر برای گرفتن پول مراجعه کرده بودیم،از هر ملاقات و یا تلفن ساده‏ای نیز این گونه برداشت می‏شد که به دنبال‏ پول آمده‏ایم!برخی را نیز که به خاطر وسع مالی از آنها انتظار کمک زیادی نداشتیم،بسیار گشاده دست‏ یافتیم و بعضی را که شغل‏های پول‏ساز و پردرآمد داشتند،راضی به این کمک ندیدیم.حتی‏ نویسندگانی با نوشته‏هایشان باعث شدند برای بیش از نود و پنج درصد بخش تألیف مقاله‏ها هیچ مبلغی‏ نپردازیم.

از سال 1373 بخشی از هزینه‏های فرهنگنامه از سوی آقای غلامحسین کرباسچی شهردار محترم‏ تهران تأمین شد.هیچ یک از ما تاکنون به حضور ایشان‏ نرسیده‏ایم،ولی یک نسخه از فرهنگنامه همراه نامه‏ای‏ از طریق دوستی حضورشان تقدیم شد.این نامه بیانگر امیدواری ما به حمایت مادی و معنوی ایشان از کار تهیهء فرهنگنامه بود.در پی آن،نمایندهء شهردار با شورا تماس گرفت و پس از بررسی نیازهای ما مبلغ ده‏ میلیون تومان برای تدوین و تهیهء مقاله‏های جلدهای‏ سوم و چهارم در اختیار شورا قرار گرفت که بسیار مغتنم بود.

کیهان فرهنگی:نظرتان دربارهء ترجمه‏ فرهنگنامه‏های ایرانی چیست و اصولا این فرهنگنامه‏ها چه اثری در اعتلای‏ فرهنگ جامعه دارند؟

انصاری:این سؤال کلی است.برای هر فرهنگنامه‏ای می‏توان دلایل مختلفی را در نفی و یا اثبات ترجمه و یا عدم ترجمه عنوان کرد.اجازه بفرمایید در اینجا صحبت خودم را به فرهنگنامه کودکان و نوجوانان محدود کنم.فرهنگنامه کودکان و نوجوانان‏ چند بار در مجامع بین المللی مربوط به کتابهای‏ کودکان و نوجوانان عرضه و معرفی شده است،از جمله‏ در کنگره بین المللی ادبیات کودکان در برلن(1992) و در اسپانیا(1994)مورد تحسین قرار گرفته.گفتنی‏ است بجز در کشورهای پیشرفته در زمینهء فرهنگنامه نویسی و نشر،کشور دیگری چنین کاری را انجام نداده است پس می‏توان گفت که تهیه و نشر فرهنگنامه برای کشور ما موفقیت بزرگی محسوب‏ می‏شود.ولی بحث ترجمه باید با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد و نخست باید به این پرسش پاسخ داد که اثر ترجمه شده تا چه حد برای نسل جوان کشور یا کشورهای مخاطب سودمند خواهد بود؟به نظر می‏رسد با وجود جاذبه‏های فراوان این اثر و مقالات‏ پر شماری که در مورد ایران،اسلام و سایر مباحث در آن‏ آمده است باید به طرحهای مشترکی اندیشید که سبب‏ سهولت انتشار و استفاده بیشتر آن در سایر کشورها گردد.

نکتهء دیگری که می‏توان به آن توجه کرد،تهیه و ارسال فرهنگنامه از سوی نهادهای مربوط برای‏ کتابخانه‏های عمومی است که در دیگر کشورها ایرانیان از آنها استفاده می‏کنند.به تازگی آشنایی از شورا خواسته بود تا فرهنگنامه به هزینهء ایشان برای‏ کتابخانه عمومی شهر«نورنبرگ»در آلمان ارسال گردد تا خانواده‏های ایرانی مقیم این شهر از آن استفاده‏ کنند.یکی از راههای نشان دادن مسؤولیت نسبت به‏ جامعهء ایرانی خارج از کشور این است که فرهنگنامه در کتابخانه‏های عمومی در کنار آثار آلمانی،انگلیسی، فرانسوی و دانمارکی و...جای بگیرد.فرهنگنامه پل‏ ارتباطی است میان امروز و دیروز و فردا.در ضمن به‏ زودی بچه‏های خود این سرزمین نیز به بسیاری از اطلاعات فرهنگنامه به عنوان پل‏های ارتباطی نیاز خواهند داشت.

کیهان فرهنگی:گمان می‏کنید فرهنگنامه پس از چند سال به طور کامل در اختیار دوستدارانش قرار بگیرد؟

انصاری:تا چند ماه پیش قرار بر این بود که‏ فرهنگنامه در شانزده جلد تمام شود و جلد شانزدهم‏ شامل نمایه و فهرست منابع باشد.قطر جلد دوم‏ (400 صفحه)بیش از توان کودکان مخاطب‏ فرهنگنامه ارزیابی شد،از همین رو همکاران تصمیم‏ گرفتند که حرف«الف»به جای دو جلد در سه جلد منتشر گردد و در مورد حرف«م»نیز به همین ترتیب‏ عمل شود.از سوی دیگر،توزیع مجددی در مورد حروف الفبا انجام شد و قرار است پنج هزار عنوان با ارجاعات در بیست و دو جلد ارائه گردد.درباره طول‏ مدت انجام کار،چون این اثر تألیف است و از مراحل‏ متعدد ویرایش و یکدست سازی می‏گذرد،پیش بینی‏ شده که برای تهیهء مطالب هر جلد نزدیک به یک سال و نیم وقت لازم است.البته پدیدآورندگان اولیه این گونه‏ آثار خود می‏دانند که صورت کامل آن را فقط در خواب‏ خوش خواهند دید،و از این روست که گاه گفته‏ می‏شود:دایرة المعارف‏ها آثار آدمخوار هستند!

کیهان فرهنگی:انتخاب مدخل‏های‏ فرهنگنامه به چه شیوه‏ای است؟

انصاری:در ابتدای کار در سالهای 58 و 59 تعدادی از کارشناسان رشته‏های گوناگون علوم و معارف بشری برای همکاری به شورا دعوت شدند و از آنها خواسته شد مدخل‏هایی را که لازم می‏دانند از منابع استخراج کرده در اختیار ما قرار دهند.گروهی‏ دیگر مدخل‏های دایرة المعارف‏های موجود فارسی را استخراج کردند و تعداد دیگری از همکاران به استخراج‏ مدخل‏های مندرج در کتابهای درسی پرداختند.

طبیعی است کتاب درسی از پایه‏های اصلی پرسشهای‏ اطلاعاتی کودکان و نوجوانان است و باید مورد توجه‏ خاص قرار می‏گرفت.موضوع‏های به دست آمده یک‏ بار به شیوهء الفبایی و بار دیگر به شیوه موضوعی‏ دسته بندی شد.مسؤولیت شورای اجرایی بازبینی‏ اتخاذ تصمیم نهایی دربارهء آنها است.شورای اجرایی‏ هر پانزده روز یک بار طی نشستی دو ساعته با در دست‏ داشتن برخی منابع در مورد حذف نمودن و یا اضافه‏ کردن مدخل‏ها تصمیم می‏گیرد در برخی از موارد نیز موضوع برای بررسی بیشتر به متخصصان ارجاع‏ می‏شود.چنانچه گروههای موضوعی فرهنگنامه اضافه‏ نمودن موضوع‏هایی را توصیه نمایند،این پیشنهادها نیز در شورای اجرایی مطرح می‏شود.

کیهان فرهنگی:مشکلات اساسی‏ شما در این چند سال چه بوده است؟

انصاری:همان گونه که متذکر شدم،مهم‏ترین‏ مشکل ما در سالهای گذشته مشکل تأمین بودجه‏ فرهنگنامه بوده که به حمد الله گشایشی در این امر پدید آمده است.مشکل دیگری که تا امروز نتوانسته‏ایم‏ آن را حل کنیم،فراهم کردن محل بزرگتری برای شورا و فرهنگنامه است،که امیدواریم در آینده بتوانیم این‏ مشکل را نیز حل کنیم.

کیهان فرهنگی:از شما سپاسگزاریم.